

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.2.1.7

Analyzing the function of relational coherence components in the organization of the syntactic-semantic structure of the Holy Quran based on the approach of McHoliday and Ruqiyeh Hassan

(Received:2023-04-04 Accepted:2023-06-25)

Abbas Ganjali¹, Masoud Salmani Haghighi²

Abstract

Coherence means creating a relationship and continuity between two or more structures that are grammatically equal to each other. Today, there are many factors and tools to create continuity and organization of the semantic-syntactic structure of a text. The components of relational consistency are considered one of the tools of integration between the phrases of a text, which was proposed by McHoliday and Ruqiyeh Hassan. Conjunctive elements include: Conjunctive elements can appear in four additional, causal, unexpected, and temporal types. The element of time connection itself includes four components: sequential, simultaneity, referential, and final. Based on the descriptive-analytical method, the present essay examines the role of the mentioned components in the syntactic-semantic organization of the verses of the Holy Quran. The findings of the research show that the components of relational consistency in the selected examples most connected the semantic structure of the sentences to each other, although these elements had an outward manifestation in most of the examples, by reflecting more on the expressions, it can be realized that these components make the conceptual structure of the text. are linked to each other.

Keywords: Qur'an, parallelism, syntactic-semantic organization, Halliday and Hassan

سال هفتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۳

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

1) Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, School of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: a.ganjali@hsu.ac.ir

2) PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. (Author Corresponding The) Email: 4001421069@sun.hsu.ac.ir



واکاوی کارکرد مؤلفه‌های همپایگی ربطی در سازمان بندی ساختار نحوی- معنایی قرآن کریم بر اساس رویکرد مک‌هالیدی و رقیه حسن

(تاریخ دریافت: ۱۵-۰۱-۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۰۴-۰۴-۱۴۰۲)

عباس گنجعلی^۱
مسعود سلمانی حقیقی^۲

چکیده

همپایگی به معنای ایجاد رابطه و پیوستگی میان دو یا چند سازه است که از لحاظ دستوری با یکدیگر برابر باشند. امروزه عوامل و ابزارهای متعددی برای ایجاد پیوستگی و سازمان بندی ساختار معنایی- نحوی یک متن وجود دارد. مؤلفه‌های همپایگی ربطی به عنوان یکی از ابزارهای یکپارچه‌سازی میان عبارات یک متن به شمار می‌روند که توسط مک‌هالیدی و رقیه حسن مطرح شده است. عناصر ربطی شامل: عناصر ربطی - پیوندی می‌تواند در چهار نوع اضافی، سببی، خلاف انتظار و زمانی نمود یابد. عنصر ربط زمانی نیز خود در بردارنده چهار مؤلفه ترتیبی، همزمانی، ارجاعی و انجامی است. جستار حاضر با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی به واکاوی نقش مؤلفه‌های مذکور در سازمان بندی نحوی- معنایی آیات قرآن کریم می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های همپایگی ربطی موجود در مثال‌های برگزیده بیشتر ساختار معنایی جملات را به یکدیگر مرتبط کردند، اگر چه این عناصر در بیشتر نمونه‌ها تجلی ظاهری داشتند؛ اما با تأمل بیشتر در عبارات می‌شود به این مسأله پی برد که این مؤلفه‌ها ساخت مفهومی متن را به یکدیگر پیوند زده‌اند.

کلید واژه‌ها: قرآن، همپایگی، سازمان بندی نحوی- معنایی، هالیدی و حسن.

(۱) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران ایمیل: a.ganjali@hsu.ac.ir

(۲) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسؤول) ایمیل: 4001421069@sun.hsu.ac.ir

۱. مقدمه

مقوله انسجام یا سازمان‌بندی ساختار معنایی - نحوی، یکی از مباحث زبان‌شناسی به شمار می‌رود. زبان‌شناسی نقش‌گرا از رهگذر توجه به نقش‌های زبانی و معرفی زبان به عنوان ابزار ارتباطی، تحولات عمیقی در مطالعات زبان‌شناسی ایجاد کرد. از جمله دستاوردهای این رویکرد، معرفی عوامل انسجام متن است که عنصرهای زبانی یک جمله را به عناصر زبانی دیگر جمله مرتبط می‌سازد و جملات را از گسستگی خارج می‌کند و با برقراری رابطه بین آنها متن را شکل می‌دهد (کرم زادگان، ۱۳۹۸: ۲۷۴).

انسجام یکی از جالب‌ترین جنبه‌های متنیت است؛ موضوعی که در نوع خاصی از نقد ادبی به شدت مورد توجه قرار گرفته‌است، اما به هنگام ترجمه به راحتی نادیده گرفته می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که می‌توان به دو روش به انسجام و سازمان‌بندی معنایی ساختار یک متن دست یافت، از یک سو، مجموعه‌ای از ابزارهای دستوری مشخص نظیر توالی زمان‌ها یا رابطه‌هایند که متن را از نظر زمان، مکان و به لحاظ منطقی سازمان‌دهی می‌کنند؛ از سوی دیگر، مجموعه‌ای از ابزارهای واژگان - دستور هستند که برای تثبیت پیوندهای اصلی میان سازه‌های ساخت اطلاع، درون متن به کار می‌روند (فاست، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

به طور کلی هدف یک پژوهش به هدف بنیادی، توسعه‌ای - ترویجی و کارکردی صورت می‌پذیرد. در این جستار کاربست مؤلفه‌های همپایگی ربطی - پیوندی در سازمان‌بندی ساختار نحوی - معنایی متن اصلی قرآن کریم مورد با هدف توسعه‌ای - ترویجی و کارکردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آیات منتخب به دلیل نمود عناصر ربطی در آنها و برخورداری از قابلیت تحلیل و بررسی انتخاب شده‌اند. هر چند می‌توان گفت امکان این وجود دارد که عناصر مذکور را در سایر آیات نیز بررسی و مشاهده کرد. همچنین با توجه به این که امکان بررسی تمامی مؤلفه‌های همپایگی ربطی در یک یا دو سوره به صورت تطبیقی وجود نداشت، نمونه‌ها به فرم پراکنده از سرتاسر قرآن برگزیده شدند تا از این طریق بتوان کارکرد تمامی این عناصر را بازتاب داد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ مقاله یا پایان‌نامه‌ای کاربست تمامی مؤلفه‌های همپایگی ربطی - پیوندی در سازمان‌بندی ساختار نحوی - معنایی قرآن کریم را به صورت یکجا مورد بررسی قرار نداده‌است، لکن به برخی از پژوهش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته‌است، اشاره می‌شود:

- مقاله «نقش عوامل ربط زمانی در انسجام متن» نوشته نوروزی و غلامحسین‌زاده (۱۳۸۸) چاپ شده در فصلنامه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، که به بررسی عوامل ربط زمانی

در قصیده انتخابی خود پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که تمامی عوامل ربط خاصیت انسجام بخشی ندارند.

- مقاله «بررسی مقابل‌های نقش گفتمانی ادات پیوندی «و و ف» در قرآن کریم»، نوشته ویسی و وردنجانی، (۱۳۹۵) چاپ شده در کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، به بررسی نقش روابط گفتمانی ادات پیوندی در متن قرآن کریم پرداخته‌است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد حرف ربط و در متن سوره مورد نظر به نسبت یکسان در جایگاه آغازی و میانی به کار رفته و بیشتر در روابط پیوندی، تمثیلی و تقابلی شرکت می‌کند، در حالیکه حرف فاء غالباً در جایگاه میانی و در روابط توالی زمانی، شرطی و علی به کار گرفته شده‌است.

- مقاله «کاربست نظریه انسجام متن در سوره مبارکه حجرات»، نوشته طاوسی و زارع زردینی، (۱۴۰۰)، چاپ شده در مجله مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، به بررسی عوامل انسجام بخش در سوره مذکور پرداخته‌است. از نتایج این پژوهش می‌توان به توسعه روش‌های زبان‌شناسی در دانش تناسب آیات قرآن، همچنین پاسخ‌گویی به شبهات مستشرقان درباره ناسازگاری و چندلایگی متن سوره‌های قرآن و همچنین ارائه یک روش در یافتن محور موضوعی سوره‌های قرآن کریم اشاره کرد.

- مقاله «بررسی عناصر انسجام پیوندی و رابطه آن با معنا در داستان آفرینش آدم در مرصادالعباد»، نوشته گلی زاده و فاطمی، (۱۴۰۰)، چاپ شده در مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، به بررسی ادوات پیوندی در داستان آفرینش آدم در مرصادالعباد در چهار گونه عوامل ربط افزایشی، تقابلی، سببی و زمانی پرداخته‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کارکرد عوامل افزایشی و سببی بیشتر از سایر عوامل پیوندی است.

- مقاله «معنای تلویحی ادوات ربطی در قرآن کریم با تکیه بر اصل مشارکت»، نوشته راستگو و نجفی نوبهاری، (۱۴۰۱)، چاپ شده در پژوهشنامه قرآن و حدیث، به بررسی معنای تلویحی ادوات ربطی در قرآن کریم پرداخته‌است. بررسی داده‌های قرآنی نشان می‌دهد که معنای ادوات ربطی در پاره‌گفت‌ها و جمله‌های قرآن تنها با توجه به صورت و ساخت آنها قابل فهم نیست بلکه برای درک کامل منظور اصلی از کاربست آنها باید به عواملی چون بافت، هم‌متن، روابط بینامتنی، مولفه‌های معنا ساز ادوات ربطی و دانش پس‌زمینه‌ای توجه کرد.

تفاوت این پژوهش با سایر آثار، در این است که تمام عناصر همپایگی ربطی نظیر: افزایشی، سببی، اختلافی و چهارگانه زمانی در آیات منتخب از قرآن کریم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است که این امر در نوع خود یک نوآوری به شما می‌رود.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱- مؤلفه‌های همپایگی ربطی چگونه باعث سازمان‌بندی ساختار نحوی-معنایی متن می‌شود؟

۲- در فراگیری معنای ادوات همپایگی ربطی، توجه به چه عناصری از اهمیت برخوردار است؟

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجایی که مطالعه و بررسی متون دینی به خصوص قرآن کریم در حوزه‌های مختلف، افق‌های دانشی پژوهشگران را گسترش می‌دهد و باعث آشنایی آنان با زیبایی‌ها و رمز و رموز نهفته در آن می‌گردد، از این رو نگارش چنین مقاله‌ای می‌تواند برای تمامی علاقه‌مندان به پژوهش در قرآن کریم راهسگا و مفید به فائده باشد.

۲. سازمان‌بندی معنایی متن

حفظ کامل ساخت واژگان و عبارات یک متن و سازمان‌بندی معنایی آن، یکی از شیوه‌هایی است که متن را به شکل یکپارچه حفظ می‌کند. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه عبارت است از: «انسجام» که معمولاً در قالب استفاده از ابزارهای دستوری یا ساختی برای حفظ یکپارچگی متن تعریف می‌شود، و «پیوستگی» که به مثابه شبکه مفهومی یا معنایی است که بخش‌های مختلف متن را به شکل یک کل واحد به هم می‌چسباند (فاست، ۱۳۹۷: ۲۱۵). آگینز^۱ پیوستگی را به مثابه رابطه متن با موقعیت و شرایط حاکم بر آن تعریف می‌کند؛ به عبارت دیگر پیوستگی را چیزی بیرون از متن می‌داند در حالیکه انسجام را به عنوان بعد درونی متن معرفی می‌کند (آگینز، ۱۹۹۴: ۸۷).

وی معتقد است که اگر در اوج گرمای سوزان ظهر در وسط بیابان جمله «چراغ را روشن کن» را به زبان بیاورم، این گفته‌ام به لحاظ موقعیتی فاقد پیوستگی است. اگر به عنوان افسر جنایی در صحنه جرم خطاب به متهم به جای این که بگویم «شما را از حقوق قانونی تان آگاه می‌کنم»، جمله «گوش کن به حرفم مرتبکه بیشعور» را به زبان بیاورم، این گفته‌ام اصلاً پیوستگی ندارد. اگر جمله فرانسوی "Il veut qu'elle est heureuse" (او ذکر می‌خواهد که او مؤنث خوشبخت شود) را تولید کنم، هرچند که گفته‌ام پیوستگی دارد، اما در سطح اولیه ساخت درونی جمله، نا منسجم به نظر می‌رسد؛ زیرا "x" باید به صورت "t" و "est" باید به صورت "soit" و "heureux" به شکل "heureuse" باشد. با وجود این که سخنگوی زبان فرانسه می‌تواند معنی حرفم را بفهمد، اما به راحتی هم نمی‌تواند این جمله را درک کرد، آن هم به این دلیل که من پیوستگی‌های دستوری اصلی جمله را از بین برده‌ام؛ پیوندهایی که سازه‌های درون جمله و فراتر از آن را به هم مرتبط می‌سازند (همان: ۲۱۵-۲۱۶).

سال هفتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۳

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

1) Eggins

۳. مؤلفه همپایگی ربطی

یکی از روش‌های مهمی که باعث سازمان بندی معنایی و انسجام متن مقصد می‌شود اتصال بخش‌های مختلف متن به کمک انواع حروف ربط یا ابزارهایی است که این کار را انجام می‌دهند. در عبارت "I've got a cold. I'm going to bed" می‌توان همپایگی را مشاهده کرد، یعنی دو جمله بدون اینکه ابزار پیوند انسجامی مشخصی داشته باشند فقط در کنار هم قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی، گیرنده متن مجبور است که خود، ارتباط علت-معلول مشخصی را از طریق انسجام موقعیتی تعیین کند (فاست، ۱۳۹۷: ۲۲۷). هالیدی و حسن عوامل ربط را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: (۱) افزایشی، شامل: ساده، مرکب، مزدوج، توضیحی و تمثیلی (۲) تقابلی، شامل: ساده، مرکب و مزدوج (۳) علی، شامل عادی و معکوس (۴) زمانی، شامل: ترتیبی، همزمانی، ارجاعی و انجامی (Halliday & Hassan ۱۹۸۴: ۲۳۸-۲۳۹).

۱-۳. ربط اضافی یا افزایشی

یکی از انواع عوامل ربطی متن، ربط اضافی یا افزایشی است. «این نوع رابطه معنایی وقتی برقرار می‌شود که جمله‌ای درباره محتوای جمله‌های قبلی در متن مطلبی را اضافه کند. این جمله‌های اضافی می‌تواند جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۴). برخی حروف و واژگان در زبان عربی نظیر «و، او، ام، کذلک» دارای نقش ارتباط اضافی و یا افزایشی می‌باشند.

۱- إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا (نساء/ آیه ۱۶۳).

۲- قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلِمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَا تُوِّا بِحَدِيثٍ مِثْلَهُ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رِزْقِ أَمْ هُمُ الْمَصْطَرُونَ (طور/ آیات ۳۱-۳۷).

۳- لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُهُمْ فَيُنْقَلِبُوا خَائِبِينَ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (آل عمران/ آیه ۱۲۸).

در نمونه نخست، عامل همپایگی "واو" به عنوان حلقه وصل میان واژگان و عبارات آیه است. این عامل در ایجاد ارتباط درون جمله یا مشارکت اعرابی نقش بسزایی دارد. آنچه که در بررسی و تحلیل یک متن اهمیت دارد، روابط درون جمله‌ای نیست؛ بلکه روابط میان جملات و پیوند میان آنهاست (نظری، ۱۳۹۲: ۳۹) اما از آنجایی که متن قرآن سرشار از ربط

درون جمله‌ای یا اشتراک نحوی است، در بررسی عوامل ربطی به خصوص ربط افزایشی، می‌بایست به پیوند درون جمله‌ای اهمیت داد که در برخی مواقع از پیوند میان جملات بیشتر به چشم می‌آید. در این نمونه، حرف ربط "او" بار حمل معنای عبارت "أوحینا إلی" را با خود به دوش می‌کشد. همان طور که ملاحظه می‌شود، تمام واژگان پس از این حرف به صورت مفتوح آمده‌اند و در حقیقت به وسیله این حرف به اولین معمول که واژه "ابراهیم" باشد، اضافه شده و در تمامی آنها معنای "أوحینا إلی" یافت می‌شود. هدف از این عنصر ربطی مشارکت و انتقال اعراب است. در این نوع ربط واژگان یا ترکیب‌هایی به هم افزوده می‌شوند که همگی به یک عامل اولیه وابسته هستند به زبانی دیگر و از دید نحوی، در واژگان یا ترکیب‌های بعدی عامل اولیه حذف شده و یک پیوند افزایشی آنها را به واژه یا ترکیب اول مرتبط می‌سازد. هر چه این افزوده‌ها بیشتر باشد اهمیت کارکرد ادات افزایشی بیشتر به چشم می‌آید (همان: ۴۰).

در نمونه دوم و سوم حرف ربطی "أم و أو" مسؤولیت ایجاد همپایگی میان جملات و انتقال معنا را برعهده دارد. در واقع این عنصر ربطی، باعث افزودن یک جمله به جمله قبل و ایجاد ساختار خرد می‌گردد. در مثال دوم حرف عطف "أم" از نوع "أم منقطعه" به معنای استفهام توییحی است که جملات مستقل را به یکدیگر متصل ساخته و باعث انسجام و سازمان‌بندی ساختار نحوی - معنایی آیات مزبور شده‌است.^۱

برای حرف ربط "أو" دوازده معنا ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از: شک و تردید، ابهام و تشکیک، تخییر، اباحه و جمع مطلق (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸۶). در مثال سوم به پیامبر (ص) گفته می‌شود که خداوند در قطع کردن پیکر یا سرکوب کردن و بخشیدن یا عذاب دادن کافران مختار است که این اختیار در حرف ربطی مذکور تجلی یافته‌است. در این آیه همپایگی افزایشی در سطح میان جمله‌ای صورت گرفته‌است و جملات از لحاظ ساختاری به یکدیگر وابسته نیستند و تنها اشتراک ضمیر "هم" و معانی نهفته در آن، آنها را به یکدیگر وابسته کرده‌است. در این سطح از افزایش داده، جملاتی که به اصطلاح نحوی ارکان اصلی خود را اخذ کرده‌اند، به یکدیگر افزوده می‌شوند (نظری، ۱۳۹۲: ۴۰).

۲-۳. ربط علی یا سببی

همان طور که از نامش پیدا است، سبب و دلیل رویدادی را بیان می‌کند. «ربط سببی زمانی رخ می‌دهد که رویدادهای فعل یک جمله با رویدادهای دیگر جمله‌ها ارتباط سببی و علی داشته باشد. این ارتباط شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط می‌شود» (لطفی پور

(۱) اسم‌های علم با توجه به این که غیر منصرف هستند، در حالت مجروری به جای کسره، فتحه می‌گیرند.

(۲) أم منقطعه بیانگر مفهوم اضراب ابطالی بوده و میان دو عبارت مستقل و متضاد قرار می‌گیرد، در حالی که أم متصله بیانگر تساوی یا تعیین مصداق است. در أم منقطعه قبل و بعد آن با یکدیگر ارتباطی ندارد؛ یعنی می‌توان قبل و بعد آن را به صورت مستقل و مجزا از هم به کار برد. معنای آن در زبان فارسی "یا و آیا" می‌باشد.

ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۵). عوامل پیوند سببی را می‌توان در دو سطح کوتاه و بلند بررسی کرد. در سطح کوتاه، ادات سببی دو جمله را که یکی علت، نتیجه و غرض جمله دیگر است به هم پیوند می‌دهند. این سطح از پیوند گرچه از خاصیت انسجامی به دور نیست اما توسط پیوند افزایشی یا زمانی به دیگر اجزای متن پیوند خورده‌است و عبارت دیگر خاصیت انسجامی آن صرفاً محدود به درون یک ساختار خرد و جزئی است (نظری، ۱۳۹۲: ۴۷). در زبان عربی ادوات متعددی برای دلالت این مفهوم وجود دارد، از جمله «إذ، لام تعلیل، کی، لکی و لذا، علی هذا، لهذا و لأن...».

۱- وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (احزاب/ آیه ۳۷)

۲- وَأَمْرٌ لِأَنَّ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (زمر/ آیه ۱۲)

در مثال اول و دوم، ادات ربط سببی در قالب حرف "لکی و لأن" متبلور شده‌است که دو عبارت را به هم متصل ساخته و باعث ایجاد سازمان بندی ساختار نحوی- معنایی این آن شده‌اند. بدین صورت که هدف از طلاق دادن همسر توسط زید، فراهم شدن بستر ازدواج است که در قالب عبارت "لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج ادعیائهم" ذکر شده‌است. در مثال دوم نیز فرمان داده شدن به عنوان علت و سبب برای اسلام آوردن به عنوان نخستین نفر قرار داده شده‌است.

۳-۳. ربط خلاف انتظار یا نقضی

یکی دیگر از عناصر همپایگی ربطی عنصر ربط خلاف انتظار یا نقضی است. «این رابطه معنایی زمانی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله، خلاف انتظاراتی باشد که جمله قبلی به وجود می‌آورد» (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۵). در زبان عربی حروف مختلفی برای بیان این نوع ارتباط پیوندی وجود دارد، از قبیل: «لکن، علی الرغم، علی ای حال، بل، فی نفس الوقت و...».

۱- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران/ آیه ۱۶۹)

۲- مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (دخان/ آیه ۳۹)

در مثال نخست عنصر «بل»، حرف اضراب یا رویگردانی است؛ بدین معنا که گوینده در ابتدا جمله‌ای را بیان می‌کند و در جمله پس از حرف ربط «بل»، به صورت تأییدی یا انکاری، جمله‌ای دیگر را ذکر می‌کند که مطلب قبل را بیشتر تبیین می‌نماید. در این مثال خداوند متعال با استفاده از حرف ربط مذکور توقع و تصویری که از جمله نخست وجود

دارد را از بین می‌برد. هالیدی و حسن پیوند نقیضی را «نوعی ارتباط میان جملات می‌دانند که در آن متکلم سعی می‌کند به وسیله برخی ادوات پندار و تصویری که از جمله قبل در بردارد از بین ببرد» (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۵۶-۲۵۰).

بعضی از مفسران معتقدند که آیه مذکور درباره شهادی احد نازل شده و بعضی دیگر آن را درباره شهادی بدر می‌دانند، ولی حق این است که پیوند این آیه با آیات گذشته نشان می‌دهد، بعد از حادثه احد نازل شده است. اما مضمون و محتوای آیه تعمیم دارد و همه شهدا حتی شهادی بدر را که چهارده نفر بودند، شامل می‌شود، لذا در حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: این آیه درباره شهادی احد و بدر هر دو نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۱۶۸).

به هر حال چنین بنظر می‌رسد که جمعی از افراد سست ایمان بعد از حادثه احد می‌نشستند و بر دوستان و بستگان خود که شهید شده بودند، تأسف می‌خوردند که چرا آنها مردند و ناپود شدند، مخصوصاً هنگامی که به نعمتی می‌رسیدند و جای آنها را خالی می‌دیدند، بیشتر ناراحت می‌شدند، با خود می‌گفتند ما این چنین در ناز و نعمتیم اما برادران و فرزندان ما در قبرها خوابیده‌اند و دستشان از همه جا کوتاه است. اینگونه افکار و اینگونه سخنان علاوه بر این که نادرست بود و با واقعیت تطبیق نمی‌کرد، در تضعیف روحیه بازماندگان بی اثر نبود. آیه مزبور خط بطلان بر این گونه افکار کشیده و مقام، شامخ و بلند شهیدان را یاد کرده است و می‌گوید: لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً، در اینجا روی سخن فقط به پیامبر (ص) است تا دیگران حساب خود را بکنند می‌گوید: ای پیامبر! هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند بل اَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزُقُونَ: بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان متنعمند (همان).

در مثال دوم حرف "لکن" عنصر ربط نقیضی است که ساختار نحوی - معنای دو عبارات را به یکدیگر گره زده و باعث انسجام بخشی به آن شده است و جمله پس از آن خلاف انتظار عبارت قبل از آن است؛ یعنی آسمان و زمین جز از روی دانشی که موجب خلقت آنها بود نیافریدیم؛ زیرا علم جز براستی و حقیقت دعوت نمی‌کند، لکن بیشتر مردم صحت آنچه را که ما گفته‌ایم نمی‌دانند؛ زیرا در گفتار ما و استدلال‌هایی که بر صحت آن اقامه شده است دقت نمی‌کنند (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۲۲، ص ۳۱۳). این نکته را باید ذکر کرد که آیات و فرامین الهی هرگز با تصور و نقضی رو به رو نیست و آنچه که مسلم و مبین است، مخالفت و باور غلط مشرکین با واقعیت و آموزه‌های دینی و الهی است.

۳-۴. عنصر ربط زمانی

این رابطه هنگامی بین دو جمله برقرار می‌شود که گونه‌ای توالی زمانی میان رویدادهای آن دو جمله برقرار باشد. عوامل ربط زمانی توالی زمانی حوادث و رویدادها را نشان می‌دهد و

باعث ایجاد انسجام متنی می‌گردد که به چهار نوع ترتیبی، همزمانی، ارجاعی و انجامی دیده می‌شود (گلی زاده و فاطمی، ۱۴۰۰: ۲۱۸). رابطه زمانی چهار نوع اصلی دارد که پژوهش حاضر به بررسی آنها در آیات انتخابی از قرآن کریم می‌پردازد. این چهار نوع عبارت‌اند از: ترتیبی، همزمانی، ارجاعی و انجامی.

۳-۴-۱. ترتیبی

توالی زمانی جمله‌ها که حوادث و رویدادها را نشان می‌دهد، یکی دیگر از راه‌های پیوند جملات است و نبود این پیوند، تا حدودی باعث آشفتگی متن می‌شود. در ارتباط زمانی ترتیبی حوادث و رویدادها به ترتیب زمانی و با ابزارهایی چون "او، فاء، ثم، بعد ذلک، ذلک الوقت، عقبی ذلک و... به دنبال هم می‌آید (همان: ۲۱۹). برای مثال:

- ۱- وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعَجَلِ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ (بقره/ آیه ۵۱)
- ۲- وَاَعْطَشْنَا لَيْلَهَا وَاَخْرَجْ ضَحَاها وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذَلِكِ دَحَاها(نازعات/ آیه ۲۹ و ۳۰).

در نمونه نخست، مؤلفه ربط زمانی ترتیبی «ثم» دو جمله را به یکدیگر متصل نموده‌است که توالی و پی در پی بودن دو عمل در آن هویدا است. به این صورت که ابتدا چهل شبانه روز با حضرت موسی (ع) وعده گذاشته می‌شود آنگاه پس از غیبت ایشان، گوساله مورد پرستش قرار می‌گیرد. «ثم» یکی از عوامل عطف و ربط در زبان عربی است که سیبویه و ابن هشام بر آن سه دلالت ذکر کرده‌اند: تشریک، ترتیب و تراخی (سیبویه، ۱۹۸۸، ج ۱: ۴۳۸؛ ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۱). این حرف دلالت بر تأخیر ما بعد از ما قبل را دارد و اقتضا می‌کند عبارات بعد از این کلمه از ما قبلش، به طور طبیعی از نظر مرتبه یا از نظر موضع و موقعیت مؤخر باشد و بعد از ثم بیان شود، بر حسب آن چیزی که در قبل از آن و در اول عبارت ذکر شده‌است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۶۳). در مثال دوم، عنصر ربطی "بعد ذلک"، از نوع ترتیبی است. بدین صورت که خداوند متعال ابتدا شب آسمان را تاریک و روز را از تاریکی بیرون آورد و پس از آن زمین را گسترانید و وسعت بخشید. انجام تاریک ساختن شب و وسعت دادن زمین به صورت ترتیبی به واسطه مؤلفه "بعد ذلک" به وقوع پیوسته‌است. نمود این حرف در آیه مذکور باعث یکپارچگی دستوری- معنایی آیات نیز شده‌است.

۳-۴-۲. همزمانی

در کنار ادواتی که جملات را در زنجیره‌ای از وقایع نشان می‌دهند، ادواتی نیز هستند که جمله‌ای را به لحاظ همزمانی با جمله‌ای دیگر به آن ملحق می‌سازند. در این حالت جمله دوم ضمیمه و محلق جمله اول محسوب می‌شود، گویی که جمله اول رکن و پایه است و جمله دوم پیرو (نظری، ۱۳۹۲: ۴۴). عوامل این نوع رابطه در زبان عربی عبارت‌اند از: «او، فی نفس الوقت، فی ذلک الوقت، إذ، عندما، حينما، بالتزامن مع و...» برای مثال:

۱- نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مُّسْحُورًا (اسراء / آیه ۴۷)

۲- كَذَّبَتْ عَادَ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ (قمر / آیه ۱۸)

در مثال بالا سه عمل همزمان "گوش دادن، در گوشی صحبت کردن و گفتن" در حال به وقوع پیوستن است. مؤلفه ربط «إذ» این سه عمل همزمان را که در جمله پایه و پیرو بازتاب یافته‌اند را به یکدیگر وصل نموده و باعث پیوند میان آنها شده‌است. نکته دیگر در خصوص ربط زمانی همزمانی این که عواملی مانند: "همان‌گاه یا همان هنگام در زبان ادبی گاهی به معنای فوراً و بی درنگ به کار می‌روند که نباید این گونه کاربرد را با کاربرد عوامل ربط همزمانی اشتباه گرفت (نوروزی، غلامحسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۱). در مثال دوم، حرف ربطی "واو" از نوع ربط همزمانی است. در واقع عذاب و هشدار دو امری است به صورت همزمان از سوی خداوند صورت می‌پذیرد. این از طریق حرف ربط همزمانی متبلور گشته‌است. برخی به نقش عطف در واو اشاره و آن را به دو قسم عطف جامع و عطف همزمان تقسیم می‌کنند (رمانی، ۲۰۰۸م/۱۴۲۸، ص ۳۷). خداوند در این بخش داستانی دیگر از داستان‌هایی که در آن ازدجار و انذار است، آغاز می‌کند، و اگر این قصه را عطف به سابق نکرده و بدون کلمه "واو" فرمود: "کذبت" و همچنین قصه‌های بعدی را هم بدون واو عاطفه آورد، برای این بود که هر یک از این داستان‌ها مستقل و جدای از دیگری است، و خودش به تنهایی کافی در ازدجار و انذار، و رساندن عظمت عذاب است، اگر کسی با آن پند پذیرد. جمله "فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ" در مقام توجیه دادن دل‌های شنونده به چیزی است که به ایشان القاء می‌کند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۱۱۴).

۳-۴-۳. ارجاعی

در این نوع از ربط، عامل ربط به واقعه‌ای که در گذشته رخ داده ارجاع می‌دهد یا به واقعه‌ای که در آینده رخ خواهد داد. در ضمن این ارجاع می‌تواند به زمان حال نیز اشاره کند. بنابراین چهار نوع ارتباط زمانی ارجاعی وجود دارد: (۱) ارجاع به ماقبل، (۲) ارجاع به ماقبل و اشاره به حال، (۳) ارجاع به ماقبل، اشاره به حال و ارجاع به آینده، (۴) اشاره به حال و ارجاع به آینده (همان: ۱۰۳). نکته قابل توجه در این بخش این که برخی از این روابط نمود بیرونی در قالب الفاظ ندارند و باید آنها را از لایه‌های درونی متن مورد بررسی استخراج نمود.

۳-۴-۱. ارجاع به ما قبل

در این نوع ارتباط، به واقعه‌ای که قبل از واقعه دیگر در جریان بوده ارجاع داده می‌شود. عوامل این نوع رابطه در فارسی و عربی عبارت‌اند از: «قبل آن» (همان). برای مثال:

۱- قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ

مَدَدًا (کَهْف/ آیه ۱۰۹)

در آیه مذکور قرار است دو رخداد در امتداد هم در آینده رخ بدهند: اول مرکب شدن دریا برای نوشتن کلمات و به دنبال آن تمام شدن کلمات و به آخر رسیدن. مؤلفه ربطی «قَبْلَ أَنْ» دو جمله مستقل را به یکدیگر محلق می‌سازد. در واقع رخداد دوم را به رخداد اول متصل می‌کند که این امر علاوه بر متن مبدأ، در صورت رعایت آن در متن مقصد، منجر به سازمان بندی ساختار معنایی می‌شود. آنچه مسلم است این‌که عنصر ربط در متون نثر چه در متن مبدأ و چه در متن مقصد می‌تواند در ابتدا و یا میان عبارت قرار بگیرد (نورسیده و سلمانی حقیقی، ۱۴۰۰: ۱۵۸).

۳-۴-۲. ارجاع به ما قبل با دلالت به حال

در این نوع از روابط عامل ربط به رویدادهایی که تاکنون رخ داده ارجاع می‌دهد و به زمان حال نیز اشاره می‌کند (نوروزی و غلامحسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۵). عوامل این نوع از ربط در عربی عبارت‌اند از: «فاء، ومتی، حتی الآن، حتی هذا اليوم و...» برای مثال:

۱- أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (ق/ آیه ۶)

در مثال فوق عنصر ربط «فاء» است که معادل دقیق آن با توجه به موقعیت و بافت متن "تاکنون" است. این عنصر از یک طرف به عبارت قبل از خود ارجاع می‌دهد و از طرفی دیگر به حالت کنونی مخاطبان مبنی بر ندیدن. به عبارت دیگر، عوامل این گروه تنها دو جمله قبل و بعد عامل ربط را به هم متصل نمی‌کنند؛ بلکه همه یا بخشی از متن، قبل از عامل ربط را به جمله پس از آن متصل کرده، آنها را با هم منسجم می‌کند (همان).

۳-۴-۳. ارجاع به ما قبل، دلالت به حال و ارجاع به آینده

این رابطه ترکیبی از رابطه ارجاع به ما قبل با اشاره به حال و رابطه اشاره به حال و ارجاع به ما بعد است. در این رابطه از یک سو به رویدادهای متن قبل ارجاع داده می‌شود و به حال بر می‌گردد و از سوی دیگر به رویداد آینده ارجاع داده می‌شود. عوامل این رابطه در زبان فارسی معمولاً به صورت مزدوج عمل می‌کنند (همان: ۱۰۶). عوامل این نوع ربط در عربی به صورت «من بعد، ومتی، بعد ذلك، من الآن فصاعدا، حتی اليوم، منذ الآن و بعد الآن» است:

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره/ آیه ۱۷۸).

۲- وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ وَاصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَّوَحِينَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِقُونَ (هود/ آیه ۳۶ و ۳۷)

در نمونه نخست، عامل «بعد ذلك» عبارات موجود در آیه مذکور را به سه حالت ارجاع

به ما قبل با اشاره به حال و ارجاع آینده ربط می‌دهد. بدین صورت که ترکیب «یا ایها الذین آمنوا، فمن عفی له^۱ و فله عذاب الیم» به واسطه عنصر ربطی مزبور بر سه زمان گذشته، حال و آینده دلالت پیدا کرده و به یکدیگر متصل و منسجم شده‌اند.

در شاهد مثال دوم خداوند متعال حضرت نوح(ع) را به سه حالت قبل، حال و آینده ارجاع می‌دهد، به طوری که در ابتدا به ایشان می‌فرماید به جز کسانی که در گذشته ایمان آوردند، ایمان نمی‌آورند، سپس در زمان حال به ایشان می‌گوید از کارهای ایشان اندوهگین مباش و در مرحله سوم به ایشان می‌فرماید ستمکاران غرق خواهند شد. سه مرحله عنصر ربط ارجاع به ماقبل، اشاره به حال و ارجاع به آینده را می‌توان در متن مقصد به وضوح مشاهده کرد اما در متن عربی این ادوات با توجه به معادل‌هایی که برای آن ذکر شد یافت نمی‌شود. یافتن عناصر ربطی موجود در یک متن، نیازمند فهم دقیق و پی بردن به زوایای پنهان آن است؛ چرا که برخی مواقع، عناصر و ادوات انسجام بخش به صورت ظاهری در متن نمود پیدا نمی‌کند و تنها با درک معنای آن می‌توان به وجود این عناصر پی برد(نورسیده و سلمانی حقیقی، ۱۴۰۰: ۱۶۱).

۴-۳-۴. دلالت به حال و ارجاع به آینده

در این رابطه عامل ربط علاوه بر این که اشاره‌ای به زمان حال دارد به رویدادهای آینده نیز ارجاع می‌دهد(نوروزی و غلامحسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۶). ابزارهای این ربط عبارت‌اند از: «من بعد ذلک، من بعد هذا، بعد الآن و...» برای مثال:

۱- كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (آل عمران/ آیه ۹۳ و ۹۴).

در این مثال، به حالت فعلی بنی اسرائیل مبنی بر آوردن تورات و خواندن اشاره شده و در عین حال به رخدادی که در آینده رخ خواهد داد، یعنی افترا بستن و ستمگر شدن آنان ارجاع داده شده‌است. عنصر ربط «من بعد ذلک» این دو آیه را با یکدیگر منسجم ساخته‌است.

۵-۳. ربط زمانی انجामी

یکی دیگر از انواع عناصر ربط، عنصر ربط زمانی انجामी است. در واقع عامل ربط انجामी، پایان و سرانجام یک فرآیند را در متن مشخص می‌نماید و جمله پس از خود را به کل فرآیند متصل می‌نماید (علیجانی، ۱۳۷۲: ۱۰۳). این نوع ربط از نظر ساخت و کاربرد دو نوع اصلی دارد: مفرد و مزدوج.

(۱) افعال ماضی زمانی که پس از اسماء شرط واقع می‌شوند، معنای مضارع و حال به خود می‌گیرند.

۱-۵-۳. ربط انجामी مفرد

عوامل این رابطه در عربی به فرم: «ثم، فاء، فی نهایی المطاف، فی نهایی الأمر، أخیرا...» می‌آید. این عوامل به صورت مفرد عمل می‌کنند. یعنی از یک عنصر تشکیل می‌شوند. در مقابل نوع مزدوج آن که دارای دو عنصر است (همان)؛ برای مثال:

۱- فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام/ آیه ۴۴ و ۴۵)

در آیه فوق عنصر ربط انجामी مفرد حرف «فاء» است که برابرنهاد دقیق آن در زبان مقصد با توجه به موقعیت کلامی و مفهوم بافت جمله «سرانجام، پس، در پایان، در نتیجه و بالاخره» می‌باشد. در مثال فوق فرآیند ربط انجामी مفرد به این صورت است که خداوند به تمام افراد را از نعمت‌های دنیوی از جمله مال، فرزند، سلامتی بدن، آسایش خاطر، ارزانی، امنیت، طول عمر و نیرومندی در جسم ارزانیان داشته‌است (طباطبائی، ۱۳۶۳ ج ۷: ۱۲۹). اما برخی از افراد مانند ظالمان نسبت به نعمت‌های الهی کفر ورزیده و سست‌گر شدند که در نتیجه خداوند متعال طبق این آیه ریشه آنان را قطع نمود. عامل ربط "فاء" مقدمات را که در بخش اول قرار دارند به سرانجام فرآیند که در بخش دوم قرار دارد متصل و آنها را منسجم می‌کند.

۲-۶-۳. ربط انجामी مزدوج

همانطور که گفته شد این عوامل به صورت مزدوج در جمله می‌آیند. آن‌ها در شکل ارتباطی خود هم‌بسته و لازم و ملزوم یکدیگرند. ادوات این ربط در عربی «اول...فاء، اول... فیما بعد، اول... بعد ذلک، اول... أخیرا» است. برای مثال:

۱- قُلِ الَّذِينَ فَطَرْتُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكُمْ رُءُوسَهُمْ (اسراء/ آیه ۵۱)

در این آیه، ابتدای فرآیند، آفریده شدن در جمله اول تجلی یافته‌است و در انتهای فرآیند، تکان دادن سرها به نشانه تمسخر در جمله دوم ذکر شده‌است. این دو عبارات را عنصر ربطی «اول مره و فاء» باهم منسجم نموده‌است.

در خصوص عناصر ربط انجामी مفرد و مزدوج باید گفت هر دوی این عوامل میان تعدادی از رویدادها یا مقدمات و نتیجه این رویدادها و مقدمات قرار می‌گیرد. در حقیقت مانند علامت مساوی در ریاضی عمل می‌نماید و نشان می‌دهد که حاصل مجموعه‌ای از اعمال چه می‌شود و به این ترتیب میان جملاتی که حاوی مقدمات با رویدادها هستند و نتیجه آنها، پیوند برقرار می‌نماید (نوروزی و غلامحسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

نتیجه‌گیری

با بررسی مؤلفه‌های همپایگی ربطی بر روی آیات برگزیده از قرآن کریم نتایج زیر به دست آمد:

- مؤلفه‌های همپایگی ربطی موجود در مثال‌های برگزیده بیشتر ساختار معنایی جملات را به یکدیگر مرتبط کردند، اگر چه این عناصر در بیشتر نمونه‌ها تجلی ظاهری داشتند اما با تأمل بیشتر در عبارات می‌شود به این مسأله پی برد که این مؤلفه‌ها ساخت مفهومی متن را به یکدیگر پیوند زده‌اند. گاهی نیز عناصر و ادوات ربط زمانی در متن نمود ظاهری ندارند و تنها با درک معنای درونی متن می‌توان به وجود آن‌ها پی برد. همچنین به کارگیری این مؤلفه‌ها در متن، بیانگر کاربرد این ابزار برای ایجاد یک ارتباط علی و معلولی برای انتقال هر چه بهتر مضامین و اثر گذاری بر روی ذهن خواننده‌است.

- عوامل ربطی در صورت باعث سازمان بندی ساختار معنایی - نحوی یک متن می‌شوند که به منظور برقراری ارتباط و وابستگی میان دو یا چند جمله به کار گرفته شوند.

- توجه به عناصر و شاخصه‌هایی چون موقعیت متن، مؤلفه‌های معناساز کلمات و معلومات پیش زمینه‌ای در فراگیری معنای ادوات همپایگی ربطی از اهمیت بالایی برخوردار است.

- می‌توان گفت بخش قابل توجهی از بلاغت و شیوایی قرآن کریم متکی بر عناصر همپایگی ربطی است که با اتصال نحوی - معنایی واژگان و عبارت به یکدیگر، نقش مهمی در ایجاد یک متن منسجم و آهنگین ایفا می‌کند که این امر به تبیین هر چه بهتر مفهوم آیات قرآنی برای خواننده و بودن دل‌ها و عقل‌ها و هدایت آن‌ها در مسیر کلام الهی کمک می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن هشام، عبد الله بن يوسف، (۱۳۸۳): «مغنی الأديب»، ترجمه و شرح غلامعلی صفایی بوشهری، ج ۲، قم: انتشارات قدس.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴): «المفردات»، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، ج ۲، تهران: نشر مرتضوی.
- رمانی، علی بن عیسی (۲۰۰۸/م ۱۴۲۸ه): «معانی الحروف»، تحقیق و تعلیق: عرفان بن سلیم العساحسونه، بیروت: مکتبه العصریه.
- سیبویه، عمرو بن عثمان، (۱۹۸۸م): «الکتاب» تصحیح محمد هارون، القاهره: مکتبه الخانجی .
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۹): «ترجمه تفسیر مجمع البیان»، ترجمه احمد بهشتی، تهران: نشر فراهانی.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۳): «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ج ۷ و ۱۹، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- علیجانی، فریبا، (۲-۱۳۷۱): «عوامل ربط به عنوان ابزاری برای انسجام متن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، استاد راهنما: علی اشراف صادقی.
- فاست، پیتر (۱۳۹۷): «ترجمه و زبان تبیینی بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی»، ترجمه راحله گندمکار، چاپ اول، تهران: نشر علمی.
- کرم زادگان، زهرا (۱۳۹۸): «تحلیل مقایسه‌ای عوامل سازنده ابهام در کتاب سیبویه و ترجمه آن بر اساس عناصر انسجام دستوری»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۹، ش ۲۰، صص ۳۰۰-۲۷۳.
- گلی زاده، پروین و فاطمی، رضوان، (۱۴۰۰): «بررسی عناصر انسجام پیوندی و رابطه آن با معنا در داستان آفرینش آدم در مرصادالعباد»، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، س ۱۳، ش ۴۸، صص ۲۲۷-۲۰۳.
- لطفی پور ساعدی، کاظم، (۱۳۷۱): «درآمدی به اصول و روش ترجمه»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳): «تفسیر نمونه»، ج ۳، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نظری، علیرضا، (۱۳۹۲): «کارکرد ادات ربطی در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه»، مجله پژوهشنامه نهج البلاغه، س ۱، ش ۳، صص ۵۴-۳۳.
- نورسیده، علی اکبر و سلمانی حقیقی، مسعود، (۱۴۰۰): «تحلیل عناصر ربط زمانی در متن ترجمه‌های نهج البلاغه (نمونه موردی: ترجمه دشتی، فاضل لنکرانی، فقیهی و فیض الإسلام)»، مجله پژوهشنامه علوی، س ۱۲، ش ۲۳، صص ۱۷۰-۱۴۵.
- نوروزی، حامد، غلام حسین نژاد، غلام حسین، (۱۳۸۸): «نقش عوامل ربط زمانی در انسجام متن»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه دانشگاه یزد، ش ۱۹، صص ۱۰۸-۱۰۰.
- Halliday and Hassan, M. A. K. (1984). *Linguistic Studies of Text and Discourse*. London: Continuum.
- _____, (1976), *Cohesion in English*, London: Longman.
- Eggins, S. (1994). *An Introduction to Systemic Functional Linguistics*, London: Pinter

Bibliography

- Holy Quran
- Ibn Hisham, Abdullah bin Yusuf, (1383), "Mughni al-Adib", translated and explained by Gholam Ali Safai Bushehri, vol. 2, Qom: Quds Publications.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, (1374), "Al Fardat", translated by Gholamreza Khosravi Hosseini, Ch. 2, Tehran: Mortazavi Publishing.
- Romani, Ali bin Isa (2008 AD/1428 AH), "Meanings of letters", research and suspension: Irfan bin Salim al-Ashahasunah, Beirut: Al-Asriyah School.
- Siboyeh, Amr bin Othman, (1988), "Al-Kitab" corrected by Muhammad Haroun, Cairo: Al-Khanji School.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1359), "Tafsir Tafsir Majma Al-Bayan", translated by Ahmad Beheshti, Tehran: Farahani Publishing House.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (1363), "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", translated by Nasser Makarem Shirazi and others, vol.7 and 19, Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- Alijani, Fariba, (2008-2011), "Relational factors as a tool for text coherence", Master's thesis, University of Tehran, supervisor: Ali Ashraf Sadeghi.
- Faust, Peter (2017), "Translation and explanatory language based on linguistic theories", translated by Rahela Gandhamkar, first edition, Tehran: Scientific Publication.
- Karamzadegan, Zahra (2018), "Comparative analysis of factors creating ambiguity in the book of Sibouye and its translation based on the elements of grammatical coherence", Journal of Translation Researches in Arabic Language and Literature, Q9, Q20, pp. 273-300.
- Golizadeh, Parvin and Fatemi, Rizvan, (1400), "Investigating the elements of cohesiveness and its relationship with meaning in the story of the creation of Adam in Mursad al-Abad", Persian Language and Literature Tafsir and Analysis Magazine, p. 13, p. 48, pp. 203-227.
- Lotfipour Saedi, Kazem. (1371). An introduction to the principles and methods of translation. Tehran: Academic Publishing Center.
- Makarem Shirazi, Nasser, (1353), "Example Commentary", Vol. 3, Tehran: Dar Al-Katb al-Islamiyya.
- Nazari, Alireza, (2012), "The function of relative adverbs in the coherence of parts of Nahj al-Balagheh's sermons", Nahj al-Balagheh Research Journal, Q1, No.3, pp. 33-54.
- Noorsaideh, Ali Akbar and Salmani Haghighi, Masoud, (1400), "Analysis of elements of temporal relation in the text of translations of Nahj al-Balaghah (case example: Dashti's translation, Fazel Lankarani, Faqihi and Faiz al-Islam)", Alavi Research Journal, p. 12, p. 23, p. 170 -145.

- Nowrozi, Hamed, Gholamhosseinnejad, Gholamhossein, (2008), "The role of temporal relation factors in the coherence of the text", Yazd University Research Journal, Vol. 19, pp. 108-108.
- Halliday and Hassan, M. A. K. (1984). Linguistic Studies of Text and Discourse. London: Continuum.
- _____, (1976), Cohesion in English, London: Longman.
- Eggins, S. (1994). An Introduction to Systemic Functional Linguistics, London: Pinter

